

آیا مصر کمپ دیوید را تعلیق می‌کند؟

از ماه اکتبر، مصر به بسیاری از کشورهای جهان که خواهان آتش‌بس در غزه هستند، پیوسته است. با توجه به اینکه مصر تنها کشور عربی است که با غزه هم‌مرز است، خطرانی که قاهره با آن مواجه است نیز زیاد است. هرچه جنگ اسرائیل در غزه بیشتر ادامه یابد، تهدیدات علیه اقتصاد، امنیت ملی و ثبات سیاسی مصر جدی‌تر خواهد شد. رفح در امتداد مرز غزه و مصر واقع شده است؛ شهری به وسعت ۲۵ مایل مربع که تا همین اواخر محل زندگی ۳۰۰ هزار فلسطینی بود. اکنون حدود ۱/۴ میلیون فلسطینی به دلیل تخریب بی‌رویه شهر غزه، خان یونس و سایر بخش‌های نوار غزه توسط ارتش اسرائیل در رفح پناه گرفته‌اند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل با تاکید بر اینکه چهار گردان حماس در حال حاضر در رفح هستند، اعلام کرد که استقرار نیروهای اسرائیلی در این شهر برای شکست حماس ضروری است. در حال حاضر، ارتش اسرائیل در حال آماده شدن برای حمله به رفح است. مقامات در قاهره نگران هستند که عملیات نظامی اسرائیل در رفح منجر به ورود تعداد زیادی از فلسطینی‌ها به منطقه سینا شود. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ۱۰ فوریه گفت: «حمله اسرائیل به رفح منجر به یک فاجعه انسانی غیرقابل توصیف و تنش‌های شدید با مصر خواهد شد.» چنین سناریویی نه‌تنها می‌تواند به اصطکاک گسترده بین قاهره و تل‌آویودامن بزند، بلکه می‌تواند تنش‌ها را بین مردم مصر و دولت عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر نیز تشدید کند. تصور اخراج دسته‌جمعی فلسطینی‌ها از غزه به شبه‌جزیره سینا، که اساساً معادل «نکبه ۲» است، می‌تواند باعث ناآرامی‌های گسترده در مصر شود. بزرگ‌ترین نگرانی برای قاهره مربوط به سرنوشت فلسطینی‌های غزه است که توسط اسرائیلی‌ها به اجبار تخلیه شده‌اند و ممکن است «منابع امن» در سینا پیدا کنند. هجوم کنترل نشده فلسطینی‌ها به شبه‌جزیره سینا بار سنگینی بر دوش مصر خواهد بود؛ آن هم مصری که باید یک وضعیت مشکل‌ساز را از منظر سیاسی و امنیتی مدیریت کند و همچنین مجبور است در داخل برای افکار عمومی خود مسائل را توجیه کند.

تصادفی نیست که قاهره مرز با غزه را تقویت کرده، گذرگاه رفح را بسته و به اسرائیل هشدار داده است که هرگونه اقدام یکجانبه شامل مهاجرت اجباری ساکنان نوار به خاک مصر می‌تواند نه‌تنها روابط دوجانبه، بلکه پیش‌شرط‌های صلح براساس توافق کمپ دیوید را به خطر بیندازد. در ۱۱ فوریه، دو مقام مصری و یک دیپلمات غربی به آسوشیتدپرس گفتند که در صورت تهاجم نظامیان اسرائیلی به رفح، قاهره ممکن است توافقنامه کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ را تعلیق کند. یک روز بعد، سامح شکر، وزیر امور خارجه مصر، چنین گزارش‌هایی را درباره برنامه‌های دولتش برای مسدود کردن معاهده صلح با اسرائیل تکذیب کرد اما تاکید کرد که ادامه پایبندی مصر به توافق کمپ دیوید به واکنش متقابل تل‌آویو بستگی دارد. اظهارات نتانیاهو در اواخر سال گذشته درباره کنترل منطقه حائل غیرنظامی بین غزه و مصر به طول ۹ مایل که مطابق با معاهده صلح ایجاد شده بود، برای مقامات مصری هشداردهنده بود. این کار از سوی اسرائیل نقض توافقنامه کمپ دیوید خواهد بود اما آیا مقامات مصری در مورد مسدود کردن احتمالی توافق صلح تاریخی جدی هستند؟ آیا چنین صحبت‌هایی به معنای تهدیدهای توحالی است که برای مقاصد سیاسی در داخل و همچنین دنبال کردن اهداف خاص مصر در مقابل واشنگتن و تل‌آویو صادر می‌شود؟ اگر این اظهارات مقامات ناشناس مصری برای مخاطبان داخلی باشد اما قاهره آن را دنبال نکند، دولت سیسی ممکن است با مشکلی جدی در داخل مواجه شود. اما احمد عبدهو، همکار جنت‌هاوس و عضو غیرمقیم شورای آتلانتیک، تردید دارد که مصر تا حد تعلیق توافقنامه کمپ دیوید پیش برود. او می‌گوید: «در پایان، بعید است مصر اولین گام را برای پاره کردن یکجانبه معاهده بردارد.» عبوده می‌گوید: «اما کاری که مصر انجام می‌دهد پذیرفتن «نگرش استراتژیک گفتمانی» است که به موجب آن قاهره از «تشدید لغاطی» استفاده می‌کند و پیام‌ها را به سه مخاطب هدایت و ارسال می‌کند؛ اول، مخاطبان داخلی هستند که متقاعد می‌شوند که قاهره از منافع اصلی امنیتی مصر و همچنین آرمان فلسطین دفاع می‌کند. دوم، واشنگتن است که خشم دولت مصر را از دولت‌بایدن به دلیل متوقف نکردن اقدامات اسرائیل که تهدید به جابه‌جایی فلسطینی‌ها به سینا می‌کند، درک می‌کند. مخاطب سوم نتانیاهو، زئرال‌های ارتش اسرائیل و جامعه اطلاعاتی اسرائیل هستند.



هدیه پربرکت کریسمس

چگونه آمریکا در جهان امروزی به شکلی مشابه و با هدفی متفاوت از دکتربین پررتنف پیروی می‌کند



جک متلاک

سفیر اسبق آمریکا در شوروی

جک متلاک جونیور، سفیر پیشین آمریکا در اتحاد جماهیر شوروی که در پرآشوب‌ترین سال‌های جنگ سرد خدمت کرده، در فوریه ۲۰۲۴ در مقاله‌ای درباره آن دوران و مقایسه آن با شرایط امروزی پرداخته است که در ادامه می‌خوانیم. او می‌گوید دکتربین برتلف هدیه پربرکت کریسمسی بود که براساس آن شوروی از مداخله نظامی در حکومت‌های در حال سقوط اروپای شرقی خودداری می‌کرد اما مداخلات نظامی آمریکا در درگیری‌های جهانی هیچ‌وقت پایان نیافته است. در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۹، ایوان آوبیوف، معاون وزیر امور خارجه شوروی در پیامی از طرف دولت شوروی به من اطلاع داد: «ما دکتربین برتلف را در اختیار شما قرار دادیم. آن را یک هدیه کریسمس در نظر بگیرید.» حالا، حدوداً ۳۴ سال بعد، باید توضیح دهیم که دکتربین برتلف چه بود؟ تحت چه شرایطی این هدیه داده شد؟ و چرا من معتقدم این هدیه‌ای بود که سیاست خارجی آمریکا را تا به همین امروز هدایت کرده است؟

▼ دکتربین برتلف

دکتربین برتلف ادعا می‌کرد که کشورهای سوسیالیست (تحت سلطه کمونیسم) این حق و وظیفه را دارند تا در تمام کشورهایی که دولت سوسیالیست آن‌ها مورد تهدید قرار گرفته است، مداخله کنند. این عبارت پس از حمله اتحاد جماهیر شوروی به مجارستان در سال ۱۹۵۶ و به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ سر زبان‌ها افتاد. منطق اساسی آن این بود که سوسیالیسم مرحله‌ای اجتناب‌ناپذیر در توسعه بشر است و اگر در یک کشور معین مورد تهدید قرار بگیرد، وظیفه دیگر کشورهای سوسیالیست است که برای حفظ آن مداخله کنند. کارل مارکس پیش‌بینی کرده بود که پرولتاریا علیه بورژوازی حاکم قیام می‌کند و با استفاده از دیکتاتوری، جامعه‌ای سوسیالیست ایجاد می‌کند که از سوسیالیسم به کمونیسم تکامل می‌یابد. با اینکه کشورهای سوسیالیست به اهداف کمونیست‌پیدا نکرده بودند، اما نام آن هدف نهایی را مشخص می‌کرد: حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی.

▼ پلیم‌ها

در جهان سیاست، دسامبر ۱۹۸۹ با اولین دیدار جورج بوش پدر و میخائیل گورباچف در کشتی مسافبری شوروی در بندر مالتا آغاز شد. (طوفانی بودن آب‌ها باعث شد دیدارهای برنامه‌ریزی شده روی ناوشکن آمریکایی که در آن نزدیکی لنگر انداخته بود، برگزار نشوند.) این ۲ نفر از زمانی که بوش معاون رئیس‌جمهور بود همدیگر را می‌شناختند و چندین بار با یکدیگر دیدار کرده بودند، اما این اولین دیدارشان از زمانی بود که بوش رئیس‌جمهور شده بود. برای هر دو مقام این دیدار به‌معنای پایان جنگ سرد بود. آنها در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که جنگ سرد تمام شده و اتحاد جماهیر شوروی برای ممانعت از وقوع تحولات سیاسی در اروپای شرقی مداخله نمی‌کند. و اینکه آمریکا از این محدودیت شوروی سوءاستفاده نخواهد کرد. بوش این تعهدها را در نامه‌ای به گورباچف دوباره تأیید کرد و به من دستور داده شد این نامه را از مالتا به مسکو ببرم. در ۱۶ دسامبر، خشونت علیه رژیم چائوشسکو در رومانی شدت گرفت. تا آن زمان، سقوط دولت‌های تحت سلطه شوروی در اروپای شرقی به‌طور قابل توجهی صلح‌آمیز بود. گورباچف پای حرف خود باقی ماند که اتحاد شوروی مداخله نمی‌کند. در حقیقت، سیاست‌های او به نفع انتقال قدرت بودند چون اصرار داشت که دولت‌های کمونیستی در اروپای

فرانسیس فوکایاما
اعتقاد داشت
آنچه ممکن است
شاهد آن باشیم
نه فقط پایان جنگ
سرد یا سپری شدن
دوره‌ای به‌خصوص از
تاریخ پس از جنگ
است، اما پایان
تاریخ به این شکل
است: نقطه پایانی
انقلاب ایدئولوژیک
بشر و جهانی شدن
لیبرال دموکراسی
غربی به‌عنوان شکل
نهایی دولت انسانی.پیش‌بینی‌ای که هر
سیستم کنونی می‌تواند
«شکل نهایی دولت
انسانی» باشد ادعایی
نفس‌گیر بود که کاملاً
فاقد هر گونه پشتوانه
واقعیت تاریخی است

شرقی نیاز به اصلاح دارند و از هر گونه کمکی برای نگه داشتن آنها در قدرت امتناع می‌کرد.

او سفرهایی را که دولت‌های دموکراتیک به مسکو فرستادند، پذیرفت که جایگزین نمایندگان تحت سلطه کمونیسم شوند. در اواخر دسامبر، رومانی درگیر انقلاب خون‌باری شده بود. سپس در ۲۰ دسامبر، آمریکا به پاناما حمله کرد تا مانوئل نوریگا، دیکتاتور و قاچاقچی مواد مخدر را برکنار کند؛ حمله‌ای که تا نوبه طول کشید. طبق وب‌سایت ویکی‌پدیا، ۵۱۶ نفر پانامایی (۳۱۴ نفر نظامی و ۲۰۲ نفر غیرنظامی) و ۲۶ آمریکایی (۲۳ نظامی و ۳ غیرنظامی) کشته شدند؛ هزینه‌ای کاملاً گزاف برای دستگیری یک قاچاقچی مواد مخدر که زمانی برای سازمان سیا کار می‌کرد.

در ۲۳ دسامبر، تلگرافی از وزارت خارجه دریافت کردم که به من دستور می‌داد با معاون وزیر آوبیوف که در اروپای شرقی مسئولیتی برعهده داشت، وقتی برای ملاقات بگیرم و ارزیابی شوروی از شرایط رومانی را جویا شوم. این قرار ملاقات برای ساعت ۱۲:۳۰ روز بعد تعیین شد. از آن طرف، خط تلفن امنی از سوی معاون دبیر امور سیاسی دریافت کردم که از من می‌خواست به آوبیوف واضح بگویم که اگر دولت شوروی استفاده از نیروی نظامی در رومانی را لازم می‌داند امثال‌بری خروج شهروندانش بوش این اقدام را نقض معاهده دوطرفه که در دیدار مالتا به ثمر رسید، در نظر نمی‌گیرد.

او اضافه کرد، باید مراقب باشیم که اشاره نکنم مداخله را تشویق می‌کنیم، من به او گفتم، نمی‌دانم چطور می‌توانم این‌که به‌نظر برسد ما مداخله را تشویق می‌کنیم، این پیام را برسانم اما قطعاً از دستورالعمل‌ها پیروی می‌کنم. در آن زمان با خودم فکر کردم که چرا این درخواست به‌صورت نوشتاری به من منتقل نشد اما تصور کردم زمانی که کارمندان وزیر جیمز بیکر (یا شاید خود بیکر) وقتی که این کابل امن را برای من دیدند که احتمالاً EUR (دفتر امور اروپا) تهیه و پاک‌سازی شده بود، من چاره کار بودم. آن زمان به‌ذهنم نرسید، با اینکه باید می‌رسید که مقامات ارشد دولت بوش واقعاً امیدوار بودند شوروی در رومانی مداخلاتی مبنی بر «تعادل» برداشت‌ها از رفتار مناسب در حوزه‌های نفوذ مربوطه انجام دهد.

زمانی که آوبیوف به من اطمینان داد که اتحاد جماهیر شوروی در رومانی مداخله نمی‌کند غافلگیر نشدم. از اینکه او از عبارت «دکتربین برتلف» برای اشاره به شیوه‌های پیشتر شوروی، اشاره کرد، غافلگیر شدم، با اینکه استفاده از آن در غرب رایج بود، مقامات شوروی برای توصیف سیاست‌هایشان در قبال اروپای شرقی معمولاً از آن استفاده نمی‌کردند. بنابراین اظهارات او را به‌عنوان یک شوخی زیرکانه پذیرفتم و همانطور که گفته شده بود آن را به وزارت امور خارجه گزارش دادم. شورشیان رومانی فردای روزی که دیدار کردیم چائوشسکو را دستگیر و اعدام کردند.

در آن زمان هیچ ایده‌ای نداشتم که حمله به پاناما یک ماه دیگر طول می‌کشد یا همه‌چیز را از بین می‌برد مثل تعداد جان‌هایی که گرفت. من معتقد بودم که حمله به پاناما اقدامی یک‌باره بود و این اتفاق افتاد چون تا زمانی که نوریکا پاناما را تحت کنترل خود داشت احتمال اینکه مجلس سنای آمریکا بتواند پیمان کانال پاناما را تصویب کند، وجود نداشت. رای به تصویب لایحه قریب‌الوقع بود و تصویب این قرارداد برای روابط آینده ما با همسایگان مان در آمریکای لاتین، اهمیت حیاتی داشت. به فکرم نرسید که مداخله نظامی از سوی دولت آمریکا به‌عنوان ابزاری مطلوب برای ترویج «دموکراسی» در کشورهای دیگر تلقی می‌شد. در نهایت، همانطور که لینکلن می‌گوید اگر تعریف دموکراسی، دولتی مردمی، توسط مردم و برای مردم است، یک خارجی چگونه می‌تواند آن را ایجاد کند؟ مداخله آشکار در سیاست‌های کشوری دیگر احتمالاً نتیجه‌ای معکوس؛ تقویت نیروهای خودکامه را به‌همراه خواهد داشت که می‌توانند ادعا کنند نیروهای دموکراتیک مأمورانی از سوی رقیب خارجی یا بدتر از آن دشمن هستند. از دکتربین برتلف تا «نظم جهانی لیبرال»، مارکس پیش‌بینی کرده بود که کمونیسم آینده غیرقابل اجتناب بشریت

